

بررسی الگوی خشونت کلامی در آثار ادبی معاصر: رویکردی نقش‌گرا

۱ مهناز کربلائی صادق، ۲ مه‌دیس میرزاده، ۳ فرهاد فریدزاده

۱ استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشکده زبان و ادبیات، Mahnaz_ks@yahoo.com
 ۲ دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشکده زبان و ادبیات، smmirzadeh@gmail.com
 ۳ دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشکده زبان و ادبیات، parandegi2999@yahoo.com

چکیده

در مقاله حاضر نگارندگان با توجه به اهمیت بحث خشونت کلامی در زبان به عنوان یک ابزار بکارگیری واژگان جهت کنترل و تحقیر مخاطب در گفتمان، بر آنند تا به بررسی خشونت کلامی در دو داستان «سنگی بر گوری» و «سووشون» به ترتیب دو اثر منتخب از جلال آل احمد و سیمین دانشور بپردازند. لذا، هدف از پژوهش پیش‌رو، بررسی و توصیف ساختارهای زبانی مبین خشونت کلامی در پیکره منتخب پژوهش که شامل ۶۰ جمله انتخابی از دو داستان مورد نظر می‌باشد، است. شایان ذکر است که نمونه‌های مورد بررسی به شیوه توصیفی-تحلیلی و بر اساس انگاره دستور نظام‌مند نقش‌گرای مطرح شده از سوی هلیدی و متیسن (۲۰۰۴) و ساز و کارهای مطرح شده در آن نظیر فرانش تجربی، فرانش بینافردی و فرانش متنی مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

واژه‌های کلیدی: خشونت کلامی^۱، فرانش تجربی^۲، فرانش بینافردی^۳، فرانش متنی^۴، نقش‌گرای^۵.

۱. مقدمه

بحث خشونت کلامی که موضوع پژوهش حاضر است را اینگونه آغاز می‌کنیم که این نوع خشونت یکی از چهار نوع خشونت (جسمی، جنسی، اقتصادی و کلامی) است که می‌تواند در جامعه جاری و ساری گردد و ابزاری زبانی است، که در آن گوینده با بهره‌گیری از واژه‌ها و عبارتهای زبانی خاص با رویکردی خصمانه به کنترل و تحقیر مخاطب خود در گفتمان می‌پردازد. بر اساس تعریف چارلز اسپیلبرگر^۶ (۱۹۸۳)، متخصص حوزه ی خشونت، خشم حالتی است عاطفی که از نظر شدت از تحریک ملایم تا عصبانیت شدید، تغییر می‌کند. محمد صادقی^۷ (۲۰۱۱) نیز در مقاله ی خود تحت عنوان "تحلیل روانشناختی خشونت کلامی" این گونه بیان میکند که خشونت کلامی از اثرگذارترین و شایع ترین خشونت ها به حساب می آید، که در قالب ناسزاگویی در نظر گرفته می شود. بازنمایی این نوع از خشونت به شیوه‌های مختلفی چون طعنه، کنایه، نیش زبان، تشبیه، فحش، رفتارهای بدنی، جوک، تمسخر، خشن کردن صدا و حتی شکلک درآوردن و نفرین می‌باشد که با توجه به دنیای درونی و تجربیات فرد بکارگیرنده آن صورت می‌گیرد. هدف از این نوع خشونت در گفتمان اعمال قدرت، تهدید، تخریب، ترور شخصیت، تسلیم کردن، از پای درآورد، عقب راندن، خرد کردن، تحقیر کردن، مطیع ساختن، خوار کردن، مجبور ساختن و ابراز خشم است. هسته‌ی مرکزی هر خشونت‌ی از جمله خشونت کلامی، عدم تن دادن به قواعد رابطه‌ی مساوی است که در هر نوع داد و ستدی حاکم است. پیچیده ترین و حساس ترین آنها رابطه‌ی عاطفی، روانی و هیجانی بین افراد است که معمولاً بیشترین تهاجمات کلامی و ناسزاگویی را به دلیل اصطکاک بیشتر می‌توان در اینگونه روابط مشاهده کرد (اعزازی، ۱۳۸۱). اما از آنجائیکه بازنمایی این نوع از خشونت که به دلایل روانشناختی صورت می‌گیرد در ظرف زبان و در قالب واژه‌ها و عبارتهای زبانی صورتبندی می‌شود؛ لذا از اهداف پژوهش حاضر بررسی زبان‌شناختی این پدیده در چارچوب دستور نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی (۲۰۰۴) می‌باشد؛ چراکه این انگاره کاربرد زبان را در بافت کاربردی‌اش تبیین می‌نماید. بنابراین مبتنی بر آن می‌توان الگویی کارآمد، با نگاهی جنسیتی جهت بازنمایی خشونت کلامی برای علاقه‌مندان و دست‌اندرکاران امور زبان‌شناسی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی بر اساس پیکره منتخب ارائه داد. اما، در

¹ verbal violence

² experimental metafunction

³ interpersonal metafunction

⁴ textual metafunction

⁵ functionalism

⁶ Charles Donald Spielberger



پژوهش حاضر نگارندگان به طور مشخص در پی پاسخگویی به این پرسش خواهند بود که خشونت کلامی در پیکره منتخب از چه الگوهای زبانی تبعیت می‌کند و نکته دیگر آنکه جنسیت نویسندگان تا چه میزانی بر بکارگیری ساختهای دارای خشونت کلامی در متن تاثیرگذار است. شایان ذکر است که به دلیل گستردگی پیکره ی انتخابی، پژوهش حاضر، تحلیل داده های خود را تنها، محدود به ساختارهای دال بر خشونت کلامی در سطح جمله نموده است و از بررسی واژه ها و الفاظ رکیک در سطح واژگانی صرف نظر کرده است. از سوی دیگر، دلیل انتخاب دو کتاب مورد نظر تنوع در موضوع، ژانر و جنسیت نویسندگان و نیز بازنمایی خشونت کلامی در نوشتار آنهاست. در ادامه به توضیح مختصری در خصوص دستور نظاممند نقش گرا و سازو کارهای مطرح در آن که چارچوب نظری پژوهش حاضر را شکل می‌دهند و نیز به تحلیل گسترده‌ای از داده ها می‌پردازیم.

۲. پیشینه پژوهش

خشونت، آنگونه که از افکار عمومی تصور می‌شود فقط محدود به خشونت و تعرضات فیزیکی و بدنی نیست. به دلایل فرهنگی، خشونت فیزیکی کمتر از گذشته به چشم می‌خورد. اما خشونت های روانی-کلامی همواره در ساختار فرهنگی جامعه پنهان مانده است و حال آنکه قربانیان زیادی می‌گیرند. (کریمی، ۱۳۹۰). در بررسی پیشینه ی تحقیق باید ابتدا به این نکته اشاره نمود که تاکنون از دیدگاه زبان شناسی به بحث خشونت کلامی در متون ادبی پرداخته نشده است و پژوهش پیش‌رو می‌تواند نقطه آغازی برای پژوهش‌های بیشتر در این زمینه باشد. اما در اینجا به تعدادی از مقالات که به لحاظ محتوایی می‌توانند به غنای هر چه بیشتر این مقاله کمک کنند، اشاره می‌کنیم. تلاش شده در بحث پیشینه ی پژوهشی به مواردی اشاره شود که خشونت کلامی را از منظر زبان شناسی بررسی کرده اند و از پژوهش‌های بیشتری که در دیگر حوزه های علوم انجام شده صرف نظر کنیم. میرزایی (۱۳۹۵)، معتقد است که در بررسی خشونت کلامی دو پیام مجزا به مخاطب مخابره می‌شود، یکی پیام مورد نظر گوینده و دیگری خشم او. پیام مورد نظر در فرانشی تجربی و در بخش مانده از فرانشی بینافردی قابل بررسی است. اما بازنمایی پیام خشم را طبیعتاً در فرانشی بینافردی و در بخش وجه باید جستجو کرد. در این راستا، دستنایی، حق بین، افراشی (۱۳۹۵) در بحث نمود استعاری خشم در زبان نابینایان مطلق، به بررسی رمزگذاری خشم در قالب استعاره های شناختی در زبانشان می‌پردازد. نتایج پژوهش آن حاکی از آن است که گفتارهایی در نابینایان موجب تشابه فراوان استعاره های خشم حتی استعاره های دیداری خشم در دو گروه منتخب شده است. در این مقاله در بررسی گفتار نابینایان مطلق مادرزاد، استعاره ها و عباراتی مرتبط با حس چشایی و بویایی مرتبط با خشم و توصیف فرد خشمگین مشاهده می‌شود. بلاغی (۱۳۹۵) نیز به بررسی پدیده ی خشونت کلامی در فضای مجازی می‌پردازد او معتقد است که در بخش نظرات، مخالفت‌ها و خشونت‌ها بسیار چشمگیر است و در میان انواع خشونت‌ها که تامپسون از آنها یاد میکند، بیشتر شاهد تنش، خشونت و خشونت توهین آمیز هستیم. بعلاوه در خصوص واکنش نظر دهندگان به بی ادبی یکدیگر، معتقد است که نظر دهندگان اکثراً بی ادبی را با مقابله تهاجمی و تدافعی پاسخ می‌دهند و جنسیت بر آن تاثیر معنی داری ندارد.

۳. مبانی نظری پژوهش

۳.۱. دستور نظام مند نقشگرا

این دستور انگاره‌ای است که به تحلیل زبان در بافت کاربردی‌اش می‌پردازد و از این جهت نقش‌گراست. چراکه کاربرد زبان در بافت و نقشی که می‌پذیرد، تبیین می‌شود. در این رویکرد اعتقاد بر این است که هر بند حامل سه لایه اصلی و یک لایه فرعی از معنا می‌باشد. به عبارت دیگر یک سازه ی واحد یا یک بند، همزمان دارای سه ساختار و به واسطه ی آن دارای سه معنا یا کارکرد متفاوت است که همگی همزمان عمل می‌کنند و با هم ترکیب می‌شوند. (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۳۹) این سه لایه معنایی عبارتند از فرانشی تجربی که ناظر بر این واقعیت است که زبان، تجربه فرد است. بدین معنا که ما به واسطه زبان تجربیات خود از جهان خارج را منتقل می‌کنیم، و نیز فرانشی بینافردی که ناظر بر چگونگی انتقال تجربه فرد در بافت می‌باشد بدین معنا که مشارکان در رویداد زبانی چه نقش‌های ارتباطی را به عهده دارند و نهایت، فرانشی متنی که در این لایه معنایی باکارکرد بند و شیوه ی آرایش و چیدمان واژگان در متن سر و کار داریم. (متیسن و ترویا ۲۰۱۰: ۴)

۳.۱.۱. فرانشی تجربی

زبان وسیله بازنمایی جهان بیرون و درون است و تجربیات ما از جهان خارج از رهگذر زبان، مقوله‌بندی و سپس به صورت مفاهیم در آمده و کدگذاری می‌شوند. به طور کلی مقوله‌بندی زبان از جهان خارج به سه گونه طبقه‌بندی می‌شود. بخش نخست شامل فرایند^۷ است که بر یک

رخداد، یک کنش، یک حالت، یک فرایند احساسی، گفتاری و یا وجودی دلالت می‌نماید. بخش دوم شامل مشارکین در فرایند مورد نظر است که میتوان آنها را چون فاعل، مفعول و... معرفی کرد. این مشارکین می‌توانند یا عامل فرایند باشند و یا فرایند بر آنها اعمال شود و یا از فرایند بهره‌مند شوند. بخش سوم نیز شامل عناصر پیرامونی فرایند^۸ است که شامل عناصری است که زمان و مکان و شیوه عمل و ابزار و شرایط فرایند را تصویرسازی می‌نمایند (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۳۹-۴۰) در این میان، نقش کانونی را خود فرایند یعنی فعل، به تناسب نوع و معنایی که دارد، رقم میزند. یعنی فعل است که مشخص می‌کند که یک، دو و حتی سه مشارک داشته باشد (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۴۲). برای روشن شدن بیشتر مباحث به یک تعریف کلی و مثال از هر کدام بسنده می‌کنیم. فرایندهای دخیل در فرانش تجربی را می‌توان به شرح زیر توصیف کرد: فرایند مادی، فرآیندی است که بر انجام کاری یا رخداد واقعه ای دلالت دارد. (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۴۴) به عنوان مثال افعال در جمله‌های زیر:

(۱) تنهایی مثل زلزله نیست آدم را یک آجر یک آجر ویران میکند. (مبین اعرابی)

(۲) گلی از شاخه اگر می‌چینیم برگ برکش نکنیم. (سهراب سپهری)

فرآیند ذهنی، فرآیندی است که بر احساس، اندیشه، ادراک دلالت میکند (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۴۵). نظیر نمونه‌های زیر:

(۱) کاش میتوانست کم فهمید اما همیشه فهمید.

(۲) ترسم که روز حشر عنان بر عنان برند تسبیح شیخ و خرقة ی رند شراب خوار (حافظ)

فرایند رابطه ای، فرآیندی است که بر چگونگی "بودن" چیزها و پدیدارها اشاره دارد. و این امر را یا از رهگذر کیفیتی که به آنها نسبت می‌دهد، یا به واسطه ی بیان واقعیت زمانی-مکانی مترتب بر آنها و یا از طریق بیان تملکی که بر آن می‌رود، صورت می‌دهد. و این اغلب با فعل "بودن" بیان می‌شود. (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۴۵) در مثال‌های زیر به این نوع از فرایند توجه شده است:

(۱) دوستی با مردم دانا چو زرین کوزه ست.

(۲) خواستن، توانستن است.

فرایند رفتاری، دربرگیرنده ی رفتارهای گوناگون جسمی و روانی یک موجود جاندار یا جاندار پنداشته شده است. همچون فعل های، گریستن، خندیدن، نفس کشیدن، خوابیدن. (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۴۶)

و اما در تعریف فرایند کلامی، میتوان اینگونه گفت که، فرآیندی است با فعل هایی که همه از نوع "گفتن" هستند. (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۴۷)

برای نمونه میتوان افعالی چون، فرمودن، و یادآوری کردن و نمونه‌هایی از این دست را نام برد.

فرایند وجودی از موجودیت یا هستی یک پدیده سخن می‌گوید. فعل بندهایی که حاوی این فرایند هستند معمولاً فعل "هستن" است. (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۴۷) برای درک بیشتر میتوان مثال زیر را آورد:

(۱) مصلحت نیست که از پرده برون افتد راز ورنه در مجلس رندان خبری نیست که نیست (حافظ)

۳.۱.۲. فرانش بینافردی

هر ارتباط زبانی یک تعامل دو سویه هست. افراد شرکت کننده در هر ارتباط زبانی دو نقش عمده ارتباطی را می‌توانند ایفا کنند و طی آن چیزی را به مخاطب خود بدهد که به آن «داد» و یا چیزی را از مخاطب خود درخواست کند که به آن «خواست»^۹ گفته می‌شود. این داد و خواست می‌تواند کلامی باشد یعنی داد و خواست اطلاعات و یا غیرکلامی یعنی داد و خواست کالا و خدمات^{۱۱} باشد که بر این اساس چهار نقش ارتباطی خبردهی^{۱۲}، پرسش‌گری^{۱۳}، پیشنهاد^{۱۴} و صدور فرمان^{۱۵} شکل می‌گیرد.

۳.۱.۳. فرانش متنی

⁸ circumstantial elements

⁹ giving

¹⁰ demanding

¹¹ goods and services

¹² statement

¹³ question

¹⁴ offer

¹⁵ command



این نقش ناظر بر شیوه چیدمان کلام، ترتیب و آرایش اطلاعات می‌باشد. چراکه آرایش عناصر محتوایی کلام به دلایل کاربردی و بافتی صورت می‌گیرد. هلیدی و متیسن (۲۰۰۴: ۶۴) معتقدند به طور کلی دو دسته از عوامل موجب شکل‌گیری فرانشی متنی می‌شوند. دسته اول عوامل ساختاری نامیده می‌شوند که خود شامل دو ساخت «مبتدا- خبری»^{۱۶}، و «ساخت اطلاعی»^{۱۷} است و دسته دوم عوامل غیرساختاری هستند. بنابراین، هر بند را می‌توان به مثابه یک پیام با دو لایه ی معنایی در نظر گرفت. ساخت مبتدا- خبری را می‌توان یک ساخت گوینده محور در نظر گرفت که موضوع بند را از دیدگاه گوینده مشخص میکند. هلیدی و متیسن (۲۰۰۴). در واقع، مبتدا موضوع اصلی پیام است و خبر چیزی است که درباره مبتدا گفته می‌شود. اما در مقابل ساخت اطلاعی یک ساخت شنونده محور است و یک کنش متقابل میان اطلاعات نو و اطلاعات کهنه است.

۴. تحلیل داده‌ها

در این بخش به تحلیل نمونه‌های منتخب پژوهش که شامل شصت جمله‌ی انتخابی از دو کتاب «سنگی بر گوری» اثر جلال آل احمد و «سوشون» اثر سیمین دانشور می‌پردازیم. شایان ذکر است که تحلیل‌ها مبتنی بر سه لایه‌ی فرانشی تجربی، بینافردی و متنی می‌باشد که به دلیل حجم وسیع تحلیل‌ها و محدودیت در فضا، تحلیل‌ها در قالب جدول‌هایی مجزا در ادامه ی مقاله و نیز در پیوست ارائه میگردند. در جداول شماره (۱) به بررسی فرانشی تجربی در نمونه‌های منتخب از هر دو کتاب پرداخته شده است. بر اساس تعریفی که در بالا از فرآیندهای تشکیل دهنده ی فرانشی تجربی بدست دادیم، داده‌ها را بر اساس معنی درون بافتی آنها و نه صرفاً معنی ظاهری تحلیل کردیم. مهاجر و نبوی (۱۳۷۶: ۴۴) در کتاب "به سوی زبان شناسی شعر" به نقل از هلیدی، افعالی چون، پختن، چلانیدن، راندن و سوختن را نمونه‌هایی از افعال فارسی در فرآیند مادی در نظر گرفته‌اند. حال آنکه به نظر نگارندگان این مقاله، نویسندگان فوق به تعبیر زیبایی آفرینی کلامی (استعاره، کنایه) این افعال در زبان فارسی توجهی نداشته‌اند. چراکه افعال مذکور در بافت های استعاری، نقش فرآیندی خود را از دست داده و به نقش فرآیندی دیگر بدل میشود. به عنوان مثال،

(۱) مرا از خود راندی (در معنای رنجاندن)

(۲) سوختم بیچاره را زین گفت خام (در معنای ناراحت کردن)

به این ترتیب میتوان علت توجه نگارندگان این مقاله را به بحث معنی درون بافتی افعال در فرانشی تجربی توجیه کرد. چراکه کارکرد افعالی نظیر بالا بر اساس معنی آنها در یک بافت تغییر میکنند. از سوی دیگر از آنجا که جملات دعایی غالباً در ذهن گوینده بوده و مربوط به آمل و آرزوهای شخصی اوست، و در بسیاری از موارد اساساً امکان تحقق ندارد، بنابراین در تحلیل حاضر، جملات مذکور را ذیل فرانشی ذهنی قرار داده‌اند.

جدول ۱-۱. لایه ی اول: فرانشی تجربی در داده‌های کتاب سنگی بر گوری

ردیف	جملات	فعل دارای خشونت کلامی	معنی فعل در بافت	نوع فعل از منظر فرانشی تجربی
۱	کفرم در آمد.	کفر در آمدن	عصبانی شدن	ذهنی
۲	چیزی که حتی دهن کجی بردار نیست.	دهن کجی کردن	توهین کردن	رفتاری
۳	کدام احقر جرأت کرده.	جرأت کردن	جرأت کردن	ذهنی
۴	حق نداری در قصه ای بنالی.	حق نداری بنالی	اجازه نداشتن حرف زدن	وجودی کلامی
۵	مرده شور تاریخ را ببرد.	مرده شور بردن	مرده شور بردن	ذهنی
۶	[دارم] خط و نشان میکشم.	خط و نشان کشیدن	تهدید کردن	کلامی
۷	دکشان کردیم.	دک کردن	از سر باز کردن	مادی
۸	که زخم جوش آورد.	جوش آوردن	عصبانی شدن	ذهنی
۹	این زن پدر من را درآورد.	پدر در آوردن	نابود کردن	ذهنی
۱۰	گوشت را باز کن.	گوشت را باز کردن	گوشت کردن	رفتاری

¹⁶ - information

¹⁷ - Thematic structure



به عنوان مثال، در جمله ی "چیزی که حتی دهن کجی بردار نیست" بر اساس بافت داستان، منظور از دهن کجی صرفاً توهین کلامی نیست بلکه در جایی می تواند بحث رفتاری را هم شامل شود. چراکه اگر این معنا مورد نظر بود، میتوانست در گروه فرآیند های گفتاری قرار بگیرد. اما معنی این جمله در بافت زبانی مورد استفاده اش اینگونه به مخاطب نشان میدهد که منظور نوعی رفتار خاص انسانی است.

جدول ۱-۲. لایه ی اول: فرانش تجریمی در داده های کتاب سووشون

ردیف	جملات	فعل دارای خشونت کلامی	معنی فعل در بافت	نوع فعل از منظر فرانش تجریمی
۱	کور خوانده ای.	کور خواندن	خیال باطل کردن	ذهنی
۲	باز با خیاط کل سرشاخ شدی؟	سر شاخ شدن	دعوا کردن	مادی
۳	تو هم حالا سر من سرکوفت میزنی؟	سرکوفت زدن	منت کردن	کلامی
۴	تو یک الف بچه دیگر به من نارو زن.	نارو زدن	کلک زدن	مادی
۵	همه تان سر و ته یک کرباسید.	سر و ته یک کرباس بودن	مثل هم بودن	رابطه ای
۶	خدا نیامرزت مرد.	نیامرزیدن	نیامرزیدن	ذهنی
۷	دست خر کوتاه.	دست کوتاه شدن	دست کشیدن	مادی
۸	زری بیچاره را امشب نصف عمر کردید.	نصف عمر شدن	مضطرب کردن	ذهنی
۹	تف تو رویت.	تف به روی کسی آمدن	توهین کردن	ذهنی
۱۰	پسره ی احمق برو دهننت را آب بکش.	دهن آب کشیدن	حرف نزدن	کلامی

همان طور که در جدول بالا مشاهده می کنید، در مثال "زری بیچاره را نصف عمر کردید"، در اینجا نصف عمر شدن در معنای به جان آمدن و مضطرب شدن است. و افعالی که دارای تعبیری چون اضطراب، غم، شادی، سرور و... از جمله افعال دارای فرآیند ذهنی است. گرچه در غالب موارد این افعال برون داد مادی نیز دارند. و یا حتی در مثال "کور خوانده ای"، که در این مثال هم همنشینی واژه ی کور با فعل خواندن، معنای فعل را از حالت مادی به ذهنی تبدیل میکند.

جدول ۲-۱. لایه ی دوم: فرانش بینافرادی در داده های کتاب سنگی بر گوری

ردیف	جملات	وجه فعلی	کنش فعلی	فرانش بینا فردی
۱	کفرم در آمد.	اخباری	خبری	داد ← اطلاعات ← خبری
۲	چیزی که حتی دهن کجی بردار نیست.	اخباری	خبری	داد ← اطلاعات ← خبری
۳	کدام احمق جرأت کرده.	پرسشی	خبری	داد ← اطلاعات ← خبری
۴	حق نداری در قصه ای بنالی.	امری	فرمان	خواست ← چیز و خدمات ← امری
۵	مرده شور تاریخ را ببرد.	التزامی	فرمان	خواست ← چیز و خدمات ← امری
۶	[دارم] خط و نشان میکشم.	اخباری	خبری	داد ← اطلاعات ← خبری
۷	دکشان کردیم.	اخباری	خبری	داد ← اطلاعات ← خبری
۸	زنم جوشی آورد.	اخباری	خبری	داد ← اطلاعات ← خبری
۹	این زن پدر من را درآورد.	اخباری	خبری	داد ← اطلاعات ← خبری
۱۰	گوشت را باز کن.	امری	فرمان	خواست ← چیز و خدمات ← امری

در اینجا لازم به ذکر است که در بررسی فرانش بینافرادی در کتابهای سنگی بر گوری و سووشون با بررسی کتاب های "دستور زبان فارسی" انوری و گیوی (۱۳۸۹) و "فعل و گروه فعلی و تحول آن در زبان فارسی" خسرو فرشیورد (۱۳۸۳) به تعداد شش وجه اخباری، التزامی، امری، وصفی، مصدری و تاکیدی رسیدیم. که از این تعداد وجه مصدری و وصفی در داده های پژوهش یافت نشده است. در بررسی لایه ی دوم و در تحلیل جملات التزامی، از آنجا که در این مقاله در غالب موارد با جملات دعایی سرو کار داشتیم، و از سویی چون جملات دعایی، همان امری مودبانه است، ما به لحاظ کنش فعلی با آن همان برخورد افعال امری ساده را داشتیم.

جدول ۲-۲. لایه‌ی دوم: فرانقش بینافردی در داده‌های کتاب سووشون

ردیف	جملات	وجه فعلی	کنش فعلی	فرانقش بینافردی
۱	کور خوانده ای.	اخباری	خبری	داد ← اطلاعات ← خبری
۲	باز با خیاط کل سرشاخ شدی؟	پرسشی	پرسشی	خواست ← اطلاعات ← پرسش
۳	تو هم حالا سر من سرکوفت میزنی؟	پرسشی	فرمان	خواست ← چیز و خدمات ← امری
۴	تو یک الف بچه دیگر به من نارو زن.	امری	فرمان	خواست ← چیز و خدمات ← امری
۵	همه تان سر و ته یک کرباسید.	اخباری	خبری	داد ← اطلاعات ← خبری
۶	خدا نیامزدت مرد.	التزامی	فرمان	خواست ← چیز و خدمات ← امری
۷	دست خر کوتاه.	امری	فرمان	خواست ← چیز و خدمات ← امری
۸	زری بیچاره را امشب نصف عمر کردید.	اخباری	خبری	داد ← اطلاعات ← خبری
۹	تف تو رویت.	التزامی	فرمان	خواست ← چیز و خدمات ← امری
۱۰	پسره ی احمق پرو دهنن را آب بکش.	امری	فرمان	خواست ← چیز و خدمات ← امری

در داده‌های بالا همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، در جمله‌ی "تو هم حالا سر من سرکوفت میزنی؟" وجه فعلی پرسشی است. اما به لحاظ کنش فعلی، دارای کنش نهی با دارندگی است در معنای اینکه (سرکوفت زن)، اما از آنجایی که کنشی تحت عنوان نهی وجود ندارد و نهی را همان امر به شکل منفی بررسی می‌کنند، بنابراین ما نیز در این پژوهش، به این طریق به تحلیل پرداختیم. لازم به ذکر است که پیش از بررسی داده‌های لایه‌ی سوم، ساخت مبتدا-خبری و نیز نشاننداری از دیدگاه هلیدی را با داده‌های فارسی تطبیق دهیم و شیوه‌ی عملکرد خود را در این حوزه معرفی کنیم. ساختار بی‌نشان جملات خبری زبان فارسی، SOV است. (من کتاب را خریدم). و هر آنچه که این ساختار را جابه‌جا کند، سبب نشاندار شدن جمله می‌شود. اما نباید در این بحث از جایگاه زبان فارسی به لحاظ رده‌شناسی غافل شد. بدین معنی که از آنجا که زبان فارسی، یک زبان ضمیرانداز است و شناسه‌ی فعلی همان کار ضمیر منفصل را در جمله انجام می‌دهد (کتاب خریدم)، بنابراین در بسیاری از جملات با حذف ضمیر مواجه می‌شویم که در این صورت هم همچنان جمله بی‌نشان است. از سوی دیگر به دیدگاه هلیدی و متیسن (۲۰۰۴) صورت امر جملات، تنها حالتی است که در آن فعل جمله در جایگاه مبتدا قرار می‌گیرد و این ویژگی خاص صورت امری جملات می‌باشد که در این حالت، جملات بی‌نشان هستند. این در صورتی است که ساختارهای دیگر (خبری-پرسشی) در صورت آوردن فعل در جایگاه آغازین به صورت نشان‌دار تبدیل می‌شوند. در مورد جملات پرسشی نیز، جملات با پرسشواژه را بی‌نشان فرض می‌کنند و جملات بدون پرسشواژه را نشاندار. حال به تحلیل داده‌ها از مجموعه‌ی انتخابی، می‌پردازیم.

جدول ۳-۱. لایه‌ی سوم: فرانقش متنی / ساخت مبتدا-خبری در داده‌های کتاب سنگی بر گوری

ردیف	جملات	جمله از نظر ساخت مبتدا-خبری	نشاننداری/ بی‌نشانی
۱	کفرم در آمد.	«مبتدا» کفرم در آمد. «خبر»	بی‌نشان
۲	چیزیکه حتی دهن کجی بردار نیست.	«مبتدا» حتی دهن کجی بردار نیست. «خبر»	بی‌نشان
۳	کدام احمق جرأت کرده.	«مبتدا» کدام احمق جرأت کرده. «خبر»	بی‌نشان
۴	حق نداری در قصه‌ای بنالی.	«مبتدا» حق نداری در قصه‌ای بنالی. «خبر»	بی‌نشان
۵	مرده شور تاریخ را ببرد.	«مبتدا» مرده شور تاریخ را ببرد. «خبر»	بی‌نشان
۶	خط و نشان میکشم.	«مبتدا» خط و نشان میکشم. «خبر»	بی‌نشان
۷	دکشان کردیم.	«مبتدا» دکشان کردیم. «خبر»	بی‌نشان

بی نشان	جوش آورد. «خبر»	زنم «مبتدا»	زنم جوش آورد.	۸
بی نشان	پدر من را درآورد. «خبر»	این زن «مبتدا»	این زن پدر من را درآورد.	۹
بی نشان	گوشت را باز کن. «خبر»	گوشت «مبتدا»	گوشت را باز کن.	۱۰

همان طور که در بالا می بینیم، غالب جملات انتخابی، دارای مبتدای محذوفاند، چراکه زبان فارسی به دلیل ضمیرانداز بودن، نیازی به آوردن فاعل به شکل جدا ندارد. از سوی دیگر تحلیل جملات ما نشان می دهد که نویسنده‌ی مذکور بیشتر از صورت بی نشان جملات استفاده کردند.

جدول ۳-۲. لایه ی سوم: فرانقش متنی / ساخت مبتدا- خبری در داده های کتاب سووشون

ردیف	جملات	جمله از نظر ساخت مبتدا- خبری	نشانداری/ بی نشانی
۱	کور خوانده ای.	کور خوانده ای. «خبر»	بی نشان
۲	باز با خیاط کل سرشاخ شدی؟	باز با خیاط کل سرشاخ شدی؟ «خبر»	نشاندار
۳	تو هم حالا سر من سرکوفت میزنی؟	هم حالا سر من سرکوفت میزنی؟ «خبر»	نشاندار
۴	تو یک الف بچه دیگر به من نارو زن.	دیگر به من نارو زن. «خبر»	نشاندار
۵	همه تان سر و ته یک کرباسید.	سر و ته یک کرباسید. «خبر»	بی نشان
۶	خدا نیامزدت مرد.	نیامزدت مرد. «خبر»	نشاندار
۷	دست خر کوتاه(کن).	دست خر کوتاه(کن). «خبر»	بی نشان
۸	زری بیچاره را امشب نصف عمر کردید.	زری بیچاره را امشب نصف عمر کردید. «خبر»	بی نشان
۹	تف تو رویت(بریزم).	تف تو رویت(بریزم). «خبر»	بی نشان
۱۰	پسره ی احمق برو دهننت را آب بکش.	پسره ی احمق برو دهننت را آب بکش. «خبر»	نشاندار

همان طور که از داده های بالا ایفاد می شود، وضعیت جملات نشاندار به نسبت جملات بی نشان، تا حدودی یکسان است و نویسنده علاقه ی زیادی به شکستن الگوی بی نشان ساختارهای زبانی ندارد. از سوی دیگر اینگونه به نظر می رسد که شاید نویسنده در بکار گیری فاعل محذوف به قدری محافظه کارانه تر از نویسنده ی سنگی بر گوری، برخورد کرده است. هرچند برای قطعیت بیشتر لازم است داده های فراوان را در حوزه ی سبک نوشتاری آنها مورد بررسی قرار دهیم و این نیز میتواند پیشنهادی برای پژوهشگران آتی باشد.

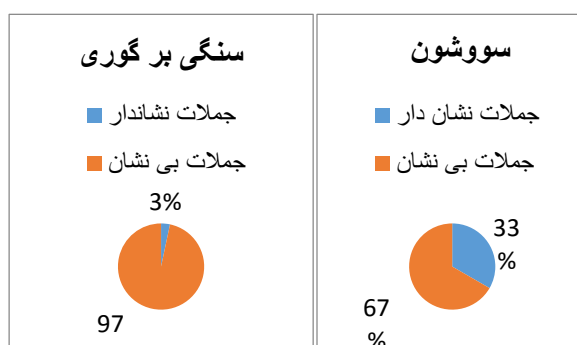
۵. نتیجه گیری

در بخش نتیجه گیری، نخست به دنبال پاسخ گویی به پرسش های مطرح شده در این مقاله هستیم. از آنجا که به دنبال بررسی الگوی بکار گرفته شده از سوی نویسندگان این کتب برای ابراز خشم در داستان هایشان بودیم، به نتایج جدید و غیر قابل باور برای نگارندگان این مقاله رسیدیم. همان طور که در نمودارهای زیر نشان داده می شود، بکارگیری افعال مادی در هر دو نویسنده، به یک میزان بوده است. حال آنکه نگارندگان این مقاله بر این باور بودند که خشونت کلامی از زبان نویسنده ی مرد می بایست در قالب افعال با فرآیند مادی باشد. در صورتی که داده های برابری میزان بکارگیری این نوع افعال را در نویسنده ی زن و مرد اثبات کرد. از سوی دیگر، بر اساس تفکرات نگارندگان این مقاله، زنها همواره به دلایل اجتماعی و تضاد بین حقوق زن و مرد و حتی وجود حجب بین آنان، از بکارگیری افعال با فرآیند مادی، خودداری میکنند. و تنها به ادای نفرین و عجز بسنده میکنند که این خود گواهی از فرآیند ذهنی است. براین اساس نگارندگان این مقاله انتظار داشتند که افعال با فرآیند ذهنی از سوی نویسنده ی زن بیشتر از نویسنده ی مرد بکار گرفته شود. در حالی که داده های پژوهش، عکس این دیدگاه را اثبات کرد. به نوعی که نویسنده ی مرد به دلیل تصویرسازی اثر و نوع فضای روایت در استفاده از افعالی با فرآیند ذهنی فاصله ی چشمگیری با نویسنده ی زن دارد و این تضاد میان تفکر و نتیجه، خود میتواند مقدمه ای برای پژوهش های بیشتر باشد. شکل مقایسه ای این تفاوت ها را می توان در نمودار ۱ مشاهده کرد.

نمودار ۱- نمودار مقایسه ای بسامد انواع فعل از منظر فرانقش تجربی در دو کتاب «سنگی بر گوری» و «سووشون»

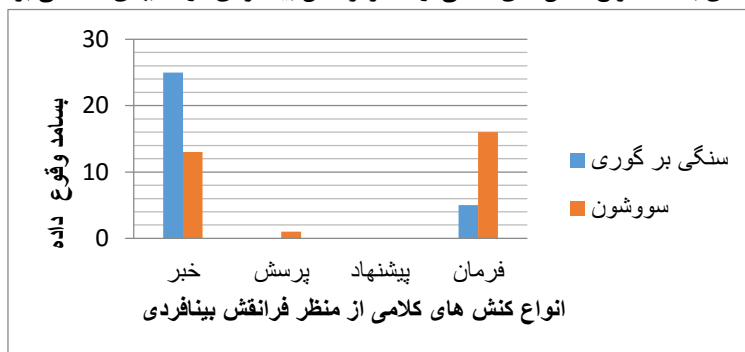


نتیجه‌ی تاثیرگذار دیگر این است که غالباً تصور عمومی بر این است که نویسندگان مرد در شکستن غالب‌های زبانی جسورانه تر عمل میکنند، حال آنکه نتیجه‌ی این پژوهش نشان داد که نویسنده‌ی زن در این امر آزادانه تر برخورد کرده است. و از ساختارهای نشان دار بیشتری استفاده کرده است. داده‌های این بخش از پژوهش نیز میتواند به کمک پژوهشگران حوزه‌ی ادبیات بیاید.



علاوه بر این، همان طور که پیش از این در جدول شماره «۲» در بخش تحلیل داده‌ها نشان داده شد، میان وجه افعال و کنش مربوطه تفاوت چشمگیری دیده نمی‌شود و تقریباً رابطه‌ی همسانی میان این دو وجود دارد. از سوی دیگر، نتایج این مقاله، تصور عمومی مبنی بر اینکه جملات دارای خشونت کلامی، در بیشتر اوقات در غالب جملات امری است را نیز رد کرده است. همان طور که در نمودار زیر میبینید، غالب جملات دارای خشونت کلامی در ظرف جملات خبری چیده شده اند.

نمودار ۲- نمودار مقایسه‌ی بسامد انواع کنش‌های کلامی از منظر فرانش بینافرادی در کتابهای «سنگی بر گوری» و «سووشون»



اما پایان سخن، نتایج حاصله از پژوهش، نوع بازنمایی خشونت کلامی در دو اثر منتخب، که توسط دو نویسنده با جنسیت متفاوت نوشته شده بودند، تفاوت‌های معناداری را نشان داده است. که به باور نگارندگان مقاله باید در حوزه‌های دیگر علوم، چون جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، روان‌شناسی و نظایر آن مورد پژوهش‌های بیشتر قرار گیرد.

منابع

- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (۱۳۸۹). دستور زبان فارسی، تهران: نشر فاطمی.
دانشور، سیمین (۱۳۹۳). سووشون، چاپ بیستم، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.

- آل احمد، جلال (۱۳۸۴). سنگی بر گوری، تهران: جامه دران.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۳). فعل و گروه فعلی و تحول آن در زبان فارسی، تهران: نشر سروش.
- مهاجر، مهران و محمد نبوی (۱۳۷۶). به سوی زبان شناسی شعر، ره یافتی نقش گرا، تهران: نشر مرکز.
- وحیدیان، تقی (۱۳۸۲). دستور زبان فارسی، با همکاری غلامرضا عمرانی، تهران: نشر سمت.
- صادقی، محمود (۱۳۹۰). مقاله ی تحلیل روان شناختی خشونت کلامی، (تهران)
- اعزاز، شهلا (۱۳۸۱). خشونت خانوادگی "زنان کتک خورده"، تهران: نشر سالی.
- ابلاغی، پگاه (۱۳۹۵). بررسی پدیده خشونت کلامی در فضای مجازی، تهران: نشر نویسه.
- طالبی دستنایی، مهناز و حق بین، فریده و افراشی، آریتا (۱۳۹۵). نود استعاری خشم در زبان های مختلف و نابینایان مطلق مادرزاد، تهران: نشر نویسه.
- میرزایی، آریتا (۱۳۹۵). بررسی الگوهای خشونت کلامی بر اساس فرآیندهای بینافردی، تهران: نشر نویسه.

Halliday, Micheal and Christian M.I.M Matthiessen (2004). **An Introduction to Functional Grammar**, Third Edition, London: Oxford University Press.

Matthiessen, Christian, Teruya, Kazuhiro and Marvin Lam (2010). **Key Terms in Systemic Functional Grammar**. New York: Continuum International Publishing Group.